

آموزش تجوید به سبکی نوین

حیث شکلی و محتوایی

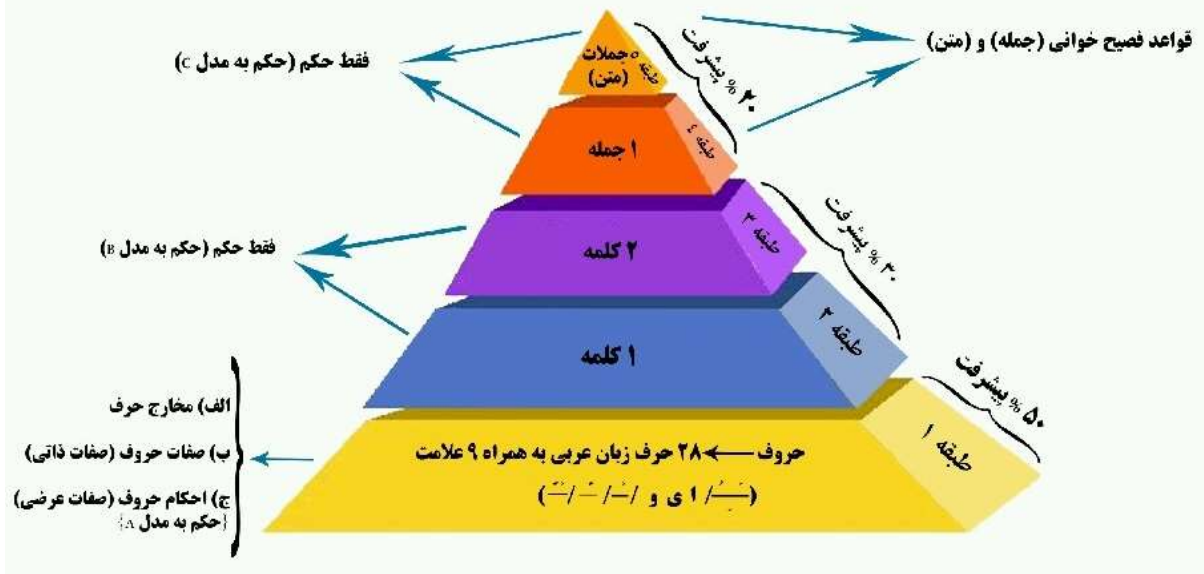
- ✓ آموزش تجوید بر اساس اصول و مبانی صدا سازی (پردازش صوت)
- ✓ جزوه ی تجوید به شکل چارتی (نموداری) و خلاصه
- به همراه فایل های صوتی آموزشی با ویژگی های خاص

تنظیم و تألیف : مجتبی شاعی

تاریخ: ۱۵ فروردین ماه ۱۳۹۷ ش.ه

موبایل: ۰۹۹۰۶۳۷۰۱۱۵

ثابت: ۰۲۵۳۶۶۰۵۳۰۷



نکته ۲: با قرار دادن ۸ علامت (ـِ) + (ـُ) + (ـَ) + (ـ)] تکرار : چون صداهای کشیده (ا ی و)، به صداهای کوتاه (ـِ) بر میگردند، پس میتوان ۵ علامت نیز فرض کرد. + تکرار ۲ : در برخی از کلمات، بر روی حرف آخرشان، در حالت وقف، ۲ علامت (سکون) و (تشدید) با هم جمع می شوند! که با احتساب این حالت، مجموع حالات متصور، به ۹ حالت افزایش می یابد. مثل: الحُجُّ (در حال وقف) / تنبُّ (در حال وقف)] بر روی تک تک ۲۸ حرف زبان عربی (فصیح)؛ تمام مخارج + صفات + احکام تک تک حروف را به شکل یک جا (و جمعی) تولید میکنیم! (طبقه ۱ هرم تجوید) پس نیازی به آموزش جداگانه هر یک از مخارج و صفات و احکام حروف (در فصول جداگانه تجویدی) نمی باشد. بلکه با فراگیری یک حرف، با ۸ علامت ۸ گانه، خود به خود تمام مخارج و صفات و احکام گوناگون حروف، تولید و تمرین می شوند! لذا در این روش آموزشی، یک حرف با ۸ حالت آن، تمرین و تکرار می شود. پس در مجموع؛ حالات گوناگون تمام ۲۸ حرف زبان عربی (فصیح)، ۲۲۴ حالت می شود. چون تمام کلمه (طبقه ۲ هرم تجوید) و کلمات { (جملات) / طبقات ۳ / ۴ / ۵ هرم تجوید } از همین ۲۲۴ حالت حروف، ساخته می شوند؛ به این ترتیب، تمام کلمات و جملات (متن) به شکل فصیح و صحیح تلاوت می شوند. (البته به شرط تسلط بر ادای برخی از ترکیبات حروف با یکدیگر).

نکته ۳: در آغاز، طبقه اول هرم تجوید (حروف)، سپس طبقه ۲ و ۳ هرم تجوید، به شکل خلاصه و نموداری توضیح داده، و تشریح می شوند.

تذکر (۱)

به صفات عرضی (فرعی)؛ در اصطلاح علم تجوید، احکام (حکم) می گویند.

تذکر (۲)

صفات ذاتی (اصلی) صفاتی هستند، که همیشه در ذات حروف موجود بوده، و جزء جدایی ناپذیر آن حروف میباشند، به گونه ای که اگر آن صفات ذاتی آورده نشوند، اساس و بنیان هر یک از حروف از بین میرود! ولی صفات عارضی (فرعی) صفاتی هستند که در ذات حروف موجود نبوده، و اگر آورده نشوند، خللی به اصل و بنیان آن حروف وارد نمی شوند، و تنها از زیبایی و روانی تلفظ آن حروف، کاسته میشود.

تذکر (۳)

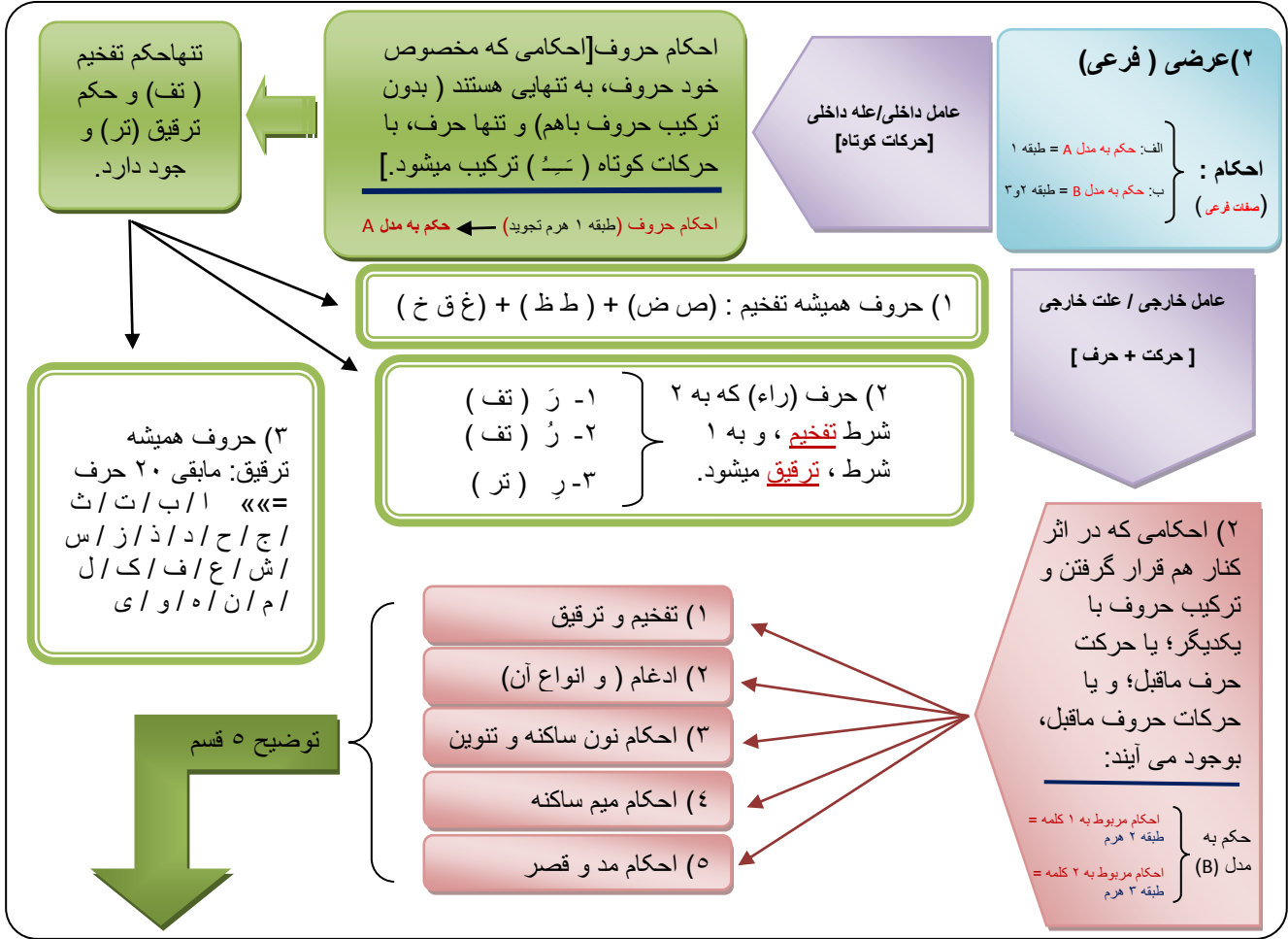
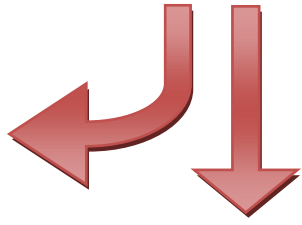
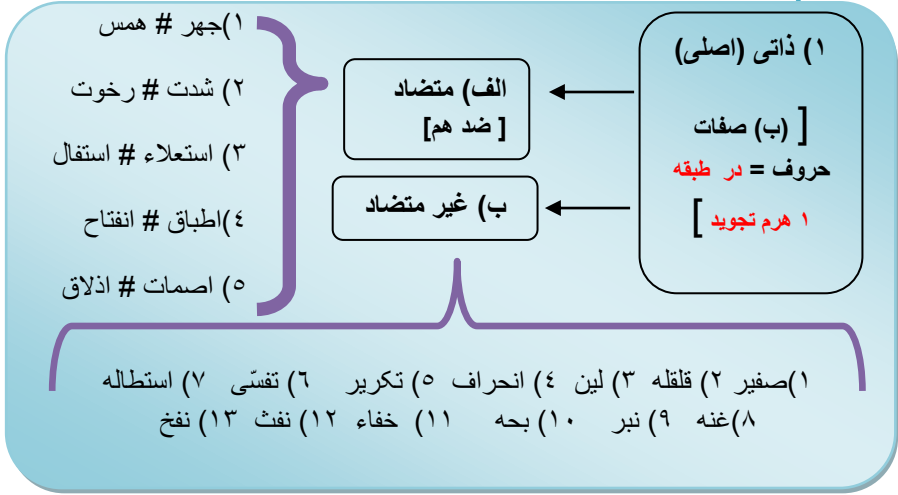
با دقت در نمودار (نکته ۳)، متوجه میشویم که تمام علم تجوید (نقشه علم تجوید)، از آغاز تا پایان، به شکلی منسجم، یکپارچه و منظم، جمع آوری و ترسیم شده است. همان طور که در نمودار نیز مشهود و معلوم است، مقسم این نمودار، ۲۸ حرف زبان عربی است که مربوط به طبقه اول هرم تجوید است، سپس این مقسم خودش، به ۲ قسمت مخارج حروف (که باز هم مربوط به طبقه اول هرم تجوید بوده) و صفات (که عنوانی کلی است و مربوط به طبقات ۱ و ۲ و ۳ هرم تجوید است) تقسیم میشود. در مرحله بعدی این تقسیم (نمودار)، خود عنوان کلی صفات نیز، به ۲ قسمت صفات ذاتی حروف (که مربوط به طبقه ۱ هرم هستند) و صفات عرضی یا فرعی (که باز هم عنوان کلی است برای طبقات ۱ و ۲ و ۳ هرم تجوید) تقسیم میشود، و در مرحله آخر این تقسیم (لایه ۳ این تقسیم) که خود عنوان کلی صفات عرضی نیز به ۲ قسمت احکام حروف (مربوط به طبقه ۱ هرم = حکم به مدل A) و احکام یک کلمه و ۲ کلمه (مربوط به طبقات ۲ و ۳ هرم = حکم به مدل B) تقسیم میشود. پس روشن شد که طبقه ۱ هرم، مهم ترین و اصلی ترین طبقه، در بین طبقات هرم تجوید است.

تک تک حروف، به همراه ۸ علامت (که مجموعاً ۲۲۴ حالت می شود)، و به کمک اصول مشترکه (مقصود از اصول مشترکه حروف، قواعد کلی هستند، که در مخارج حروف، صفات حروف و احکام آنها، سریان و جریان دارند) تلفظشان آموزش داده شده و تمامی نکات لطیف و دقیق تلفظی هر حرف، به ترتیب و منظم؛ مفصلاً توضیح داده شده، و تحلیل می شود.

حروف
(۲۸ حرف زبان عربی)
طبقه اول هرم تجوید

۱- مخارج حروف
(الف = طبقه ۱ هرم)

۲- صفات
(طبقات ۱، ۲، ۳)
هرم تجوید



توضیح
قسم

۱) حکم تفخیم و ترفیق ۳ حرف (ل - ر - ا) بر اثر عامل (علت) خارجی [چه در ۱ کلمه باشند و چه در ۲ کلمه (طبقه ۲ و ۳ هرم تجوید)]



۱) الف) - ر ← بَرِضَى (ب) ر ← الْقُرْءَانُ
 ۲) الف) - ر ← عَشْر (ب) ر ← خُسْر
 ۳) الف) ا ر ← نَار (ب) و ر ← نُور
 ۴) (سین) ا ر ← (راء ساکن ماقبل همزه وصل) رَبُّ اَرْجَعُونَ
 ۵) ر (ص ض، ط ظ، غ ق خ) ← راء ساکن، مابعدش، یکی از حروف استعلاء باشد. مثل مرصداً / قِرطاس (به شرط اینکه راء ساکن و آن حرف استعلاء دار، در یک کلمه باشند، اگر چه حرف ماقبل {ر}، حرف مکسور باشد)

۱) ر ← فِرْعَوْنَ أَنْزِر
 ۲) ر ← السَّحَرِ الذِّكْر
 ۳) ر ← قَدِير (در حال وقف) + يَسِير (در حال وقف)
 ۴) ر ← راء ساکن، ماقبل ياء ساکن (اگر چه حرف قبلش حرف مفتوح باشد؛ ← خَيْرَ غَيْر

۱) - ل مثل: اللَّهُ (در یک کلمه)
 هُوَ اللَّهُ (در ۲ کلمه)
 ۲) - ل مثل: رسولُ اللَّهِ (در دو کلمه)
 ل مثل: اللَّهُ (در دو کلمه)
 ل مثل: اللَّهُ (در دو کلمه)

الف) اگر حرف قبل از (ا) الف؛ مفخم (درشت) باشد؛ (ا) نیز مفخم میشود. مثل: رازِقِينَ / ضامِر / يَدَا اللَّهِ
 ب) اگر حرف قبل از (ا) الف؛ ترفیق (نازک) باشد؛ (ا) نیز ترفیق میشود. مثل: يَشَاءُ / رُكَّامًا / انسان

(۱) حرف [ر]

الف) موارد تفخیم حرف (ر) که به سبب عامل خارجی تولید میشود

ب) موارد ترفیق حرف (ر) که به سبب عامل خارجی تولید میشوند.

۲) حرف (ل) این قاعده فقط مخصوص لفظ جلاله الله است، و حرف (ل) در سایر کلمات با هر علامتی که داشته باشد، ترفیق میشود.

۳) حرف (ا) الف؛ تابع حکم تفخیم یا ترفیق حرف قبل از خودش است.

معنای لغوی ادغام: فرو بردن - داخل نمودن.

۲) ادغام
و انواعش

معنای اصطلاحی ادغام (معنای ادغام در علم تجوید): حذف کردن حرف ساکن و مشدد کردن (تشدید دار کردن) حرف بعدی آن مثل: قَدْ تَبَيَّنَ خوانده می شود قَدْ تَبَيَّنَ = « قَتَّبَيْنَ

۱) هر حرفی که ساکن باشد، در حرف مثل خودش (حرف عین خودش) که بعدش در می آید؛ ادغام میشود. مثل: قَدْ دَخَلُوا = « قَدْخَلُوا / يُدْرِكُكُمْ = « يُدْرِكُكُمْ

۲) اگر حرف اول، (ب = باء ساکن) و حرف بعدش، (م) باشد، (ب) حذف شده و حرف میم (م) ، مشدد میشود. (نکته: برعکس این قاعده غلط است؛ یعنی حرف (م) در حرف (ب)، ادغام نمیشود.) مثل: اِرْكَبْ مَعَنَا < اِرْكَمْنَا

۳) هرگاه حرف اول، هریک از حروف (ت، د، ط) باشد، و حرف دوم نیز مجدداً یکی از این ۳ حرف (ت، د، ط) باشد، در این صورت، حرف ساکن اولی حذف شده، و حرف دوم، مشدد میشود. مثل: وَدَّتْ طَائِفَةٌ < وَدَّطَائِفَةٌ / قَدْ تَبَيَّنَ < قَتَّبَيْنَ / فَرَطْتُمْ

۴) هرگاه حرف اول، هریک از حروف (ث، ذ، ظ) باشد، و حرف دوم نیز مجدداً یکی از این ۳ حرف (ث، ذ، ظ) باشد؛ در این صورت، حرف ساکن اولی حذف شده، و حرف دوم، مشدد میشود. مثل: يَلْهَثْ ذَالِكُ < يَلْهَذَا لِكُ / اِنْظَلَمُوا < اِظْلَمُوا

۵) هرگاه حرف اول (ق = قاف ساکن)، و حرف دوم (ک) باشد، حرف اول (ق)، حذف شده، و حرف دوم (یعنی ک) مشدد میشود. مثل: اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ < نَخْلُكُمْ (این نوع از ادغام، فقط، یک مورد در قرآن کریم وجود دارد)

۶) هر گاه حرف اول، (ل = لام ساکن)، و حرف بعدش (ر = راء) باشد، حرف اول (ل) حذف شده، و حرف دوم (یعنی ر) مشدد میشود.

(نکته: برعکس این قاعده صحیح نیست! یعنی: (ر) در حرف (ل) ادغام نمیشود.) مثل: قُلْ رَبِّي < قُرْبِي / بَلْ رَبُّكُمْ < بَرَّبُّكُمْ

۷) هر گاه ن (نون ساکنه) یا تنوین (ـِـ) ، به شش حرف (ی - ر - م - ل - و - ن) یعنی یرملون، برسد، ادغام انجام میشود، که مفصلاً در شماره ۳ (قسم بعدی) توضیح داده میشود.

۳) احکام نون ساکن و تنوین (نون ساکن و تنوین، در مجاورت ۲۸ حرف زبان عربی، ۴ حکم (یعنی صفت عارضی) پیدا میکند که عبادتند از:

۱) اظهار =»»

الف) **معنای لغوی:** ظاهر کردن - آشکار کردن.

ب) **معنای اصطلاحی (در علم تجوید):** اداء حرف از مخرجش؛ لذا نون ساکن (نون اصلی کلمه) یا تنوین (نون ساکن زاید)، به حروف شش گانه حلقی یعنی: (ع، ه، ع، غ، ح، خ) برسد، حرف (ن) به شکل طبیعی و بدون هیچ گونه دخل و تصرف، آشکار (از مخرجش) اداء میشود. مثال: (۱) یَنَؤُنَ (ن اصلی / ۱ کلمه) + (۲) اِنْ هُوَ (ن اصلی / ۲ کلمه) + (۳) قَوْلًا غَيْرَ (ن زاید / ۲ کلمه)

۲) **ادغام (مورد ۷ ادغام و انواعش =»» قسم ۲، مورد ۷):** هرگاه نون ساکن (نون اصلی کلمه) یا تنوین (نون ساکن زاید)، قبل از یکی از حروف ۶ گانه (یرملون = ی، ر، م، ل، و، ن) قرار بگیرد؛ در هم ادغام می شوند. یعنی: نون ساکن (اصلی یا زاید) خوانده نمی شود، و حرف بعد از آن (که یکی از حروف ۶ گانه یرملون است) مشدد میشود.

نکته (۱) ادغام ن (اصلی یا زاید) در ۴ حرف (یرملون = ی، م، و، ن) همراه با غنه (صدایی که هنگام ادغام، از خیشوم فضای بینی خارج میشود را غنه گویند). است و به اندازه ۲ حرکت (یا یک الف مدی) کشیده میشود. ولی ادغام (ن) در ۲ حرف (ل، ر)، بدون صدای غنه و بدون کشش است.

نکته (۲) در کلمات [قِنَوان - صِنَوان - دَنیا - بِنیان] چون که (ن) و ۲ حرف از حروف یرملون یعنی: (و - ی)، در یک کلمه قرار گرفته اند، **ادغام انجام نمیشود** و به این کار، اظهار مطلق میگویند. مثال: مَنْ وَجِدَ [ادغام باغنه / ن اصل]، قَرَارِمَكِينِ [ادغام باغنه / ن زاید] من رباطٍ [ادغام بدون غنه]

۳) اِقْلَاب =»»

معنای لغوی: دگرگون کردن - تبدیل کردن.

معنای اصطلاحی [در علم تجوید]: هرگاه ن (نون اصلی کلمه) یا تنوین (ن زاید)، به حرف (ب) برسد؛ ن (اصلی یا زاید)

تبدیل به حرف (م میم ساکن) میشود. مثل: مِنْ بَعْدِ =»» مِمَّ بَعْدِ [اقلاب بین ۲ کلمه]، مُنَبِّئًا =»» مُمَبِّئًا [اقلاب در ۱ کلمه].

نکته (۱) صدای (م) ایجاد شده، بخش غالب این صدا، باید از خیشوم خارج شده و بخش باقیمانده آن، از راه دهان خارج میشود، لذا نباید لب ها کاملاً به هم بچسبند؛ زیرا در این صورت همه صوت از فضای بینی خارج میشود. پس صدای (م)، ترکیبی [بینی - دهانی] پیدا میکند.

نکته (۲) صدای (م) ایجاد شده، به اندازه ۲ حرکت (یک الف مدی) کشیده میشود.

۴) اِخْفَاء =»»

معنای لغوی: مخفی کردن - پوشانیدن.

معنای اصطلاحی: هرگاه نون ساکن (اصلی باشد یا زاید) به ۱۵ حرف باقیمانده (یعنی: ت ح ج د ز س ش ص ض ط ظ ف ق ک)

برسد، إخفاء میشود. إخفاء نون ساکن، یعنی: اداء نون ساکن با حالتی بین اظهار و ادغام! به عبارتی ساده تر یعنی: هنگام شروع إخفاء، زبان بدون اینکه به محل ادای حرف (ن) برسد! پس سر زبان به محل خروج (ن) نمی چسبند! به محل تلفظ حرف بعد از (ن)، نزدیک میشود، در این حالت، صدای ن (اصلی یا زاید) به شکل غنه، از خیشوم (فضای بینی) اداء شده و به اندازه ۲ حرکت [یک الف مدی] این صدا امتداد پیدا میکند، و بعد از پایان این کشش ۲ حرکتی، حرف بعد از ن [یعنی: ۱۵ حرف مابقی] به سهولت و راحتی تلفظ میگردد.

نکته: اگر إخفاء (ن)، به درستی (و باکیفیت بالا) انجام شود، معمولاً پیشاپیش اثری مختصر از حرف بعد از ن [یعنی: ۱۵ حرف مابقی] به گوش میرسد! لذا گفته اند: بهترین إخفاء، إخفایی است که بوی حرف مابقی، قبل از اداء مشخص شود! به همین سبب اگر حرف بعد (ن)، از حروف استعلاء (ص ض ط ظ ق) باشد، صدای إخفاء (ن)، حالت تفخیم به خود میگیرد! و بر عکس، اگر از حروف استفال باشد، صدای إخفاء (ن)، ترقیق میشود.

مثال ها: (۱) اَنْتُمْ [نون اصلی / ۱ کلمه] + (۲) مِنْ تَمَرَةٍ [۲ کلمه / نون اصلی] + (۳) خَيْرٌ نَوَابِأً [۲ کلمه / نون زاید]

۴) احکام میم ساکن [میم ساکن (م) ، در مجاورت ۲۸ حرف زبان عربی ، ۳ حکم (یعنی: صفت عارضی) پیدا میکند، که عبارتند از:]

(۱) ادغام = ««

میم ساکن (م) فقط در حرف (م) بعد از خود، ادغام میشود. یعنی: میم ساکن (م) خوانده نمی شود و به جای آن (م) بعدی، مشدد میشود. در هنگام ادغام، لبها روی هم منطبق میشوند و تمامی صوت از خیشوم خارج میشود [غنه] همچنین این صوت غنوی، به مقدار ۲ حرکت [یک الف مدی] کشیده میشود.

مثال ها: كُنْتُمْ مِّنْ + أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

(۲) اخفاء = ««

هرگاه میم ساکن (م)، به حرف (ب) برسد، اخفاء میشود.
نکته (۱): این اخفاء (م)، با غنه همراه بوده و این صوت غنوی، به اندازه ۲ حرکت کشیده میشود.
نکته (۲): نحوه اخفاء (م) در نزد حرف (ب) به این شکل هست که: در هنگام اخفاء (م) ، لب ها را به هم نزدیک میکنیم به گونه ای که فاصله اندکی بین دو لب وجود داشته باشد، در این حالت، بخش غالب و اکثر صوت از فضای بینی خارج میشود [غنه] و این صوت غنوی به اندازه ۲ حرکت امتداد می یابد، سپس حرف (ب) اداء میشود. همان طور که روشن است، صدای اخفاء (م)، حالت ترکیبی (بینی - دهانی) دارد یعنی: بخش غالب (اکثر) صدای اخفاء با حالت غنه، از فضای بینی خارج شده و بخش باقیمانده (اقل) از راه دهان خارج میشود، لذا در هنگام اخفاء، لب ها نباید به هم بچسبند، زیرا در این صورت، همه صوت اخفایی، از فضای بینی خارج میشود.

مثال: رَبُّهُمْ بِهِمْ + وَ هُمْ بَارِزُونَ

(۳) إظهار = ««

هرگاه بعد از میم ساکن (م)، یکی از ۲۶ حرف باقیمانده (غیر از م + ب) ، از ۲۸ حرف زبان عربی، قرار بگیرد، حرف (م)، اظهار می شود. یعنی: حرف میم ساکن (م) به شکل طبیعی خودش و به صورت کاملاً آشکار، از مخرجش، تلفظ میشود.

نکته (۱): حرف میم ساکن (م)، در حالت اظهار نیز حالت غنه را دارد. زیرا صفت (غنه)، صفت ذاتی و اصلی حرف میم (م) [و هم چنین حرف ن] است.

نکته (۲): میم ساکن (م) در حالت اظهار، کشش دو حرکتی ندارد، برخلاف حکم ادغام و اخفاء میم ساکن (م).

مثال ها: يٰلَ هُمْ فِي + نَعْمَ وَ أَنْتُمْ

۵ احکام مد و قصر



۱) معنای لغوی (قصر): کوتاهی، باز داشتن

۲) معنای اصطلاحی (قصر) در علم تجوید: ادای (تلفظ) حروف مدی (ا - ی - و)، به طور طبیعی و بدون کشش اضافی.

۳) حکم (قصر): دو حرکت (به اندازه کشش صداهای بلند = مد طبیعی).

۱) قصر

۱) معنای لغوی (مد): زیادت، افزونی و کشش

۲) معنای اصطلاحی (مد) در علم تجوید: کشش صوت در حروف مدی [ا - ی - و] بیش از مقدار طبیعی.

۳) حروف (مد): الف - واو - یاء «(اَ) + (یِ) + (وُ)».

۴) سبب (مد): همزه و سکون [اَ + اِ]؛ همچنین (اَ = تشدید).

۲) مد

۱) تعریف: مدی است که حرف مد و سبب آن که همزه (اَ) است، در یک کلمه قرار داشته باشند.

۲) حکم: اَ تا ه حرکت کشش صوت.

۳) مثال: يُرَأَوْنَ ؛ جَائِيَّ

۱) مد متصل (مد واجب)

۱) تعریف: مدی است که حرف مد در آخر کلمه اول و سبب مد که همزه (اَ) است، در اول کلمه دوم باشد [پس مد منفصل در ۲ کلمه است].

۲) حکم: اَ تا ه حرکت (۲ حرکت نیز جایز است).

۳) مثال: وَلَا أَنْتُمْ ؛ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ

۲) مد منفصل

۵) انواع (مد)